



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۶/۲۳



عبدالقیوم میرزاده

به جواب یک عده هموطنان عزیز ما در باره نقش اداره موجود کشور

افغانستان از پنج دهه بدین سو مورد دسیسه، توطئه و تجاوز قدرت های بزرگ و کشور های منطقه بویژه پاکستان و ایران قرار داشته که در بعد داخلی عامل این همه دسیسه، توطئه و تجاوز همانا پاهین بودن سطح درک مردم ما خاصاً درس خوانده گان از منافع ملی کشور بوده است. مردم ما دانسته و یا ندانسته با شعار ها و حرکت های مغایر منافع ملی آب به آسیاب دشمنان افغانستان میریزند. بعد از حادثه ۱۱ سپتمبر و اشغال افغانستان بوسیله امریکا یان و فرار دادن و انتقال طالبان به پاکستان از آنهمه دکتوران علوم سیاست و اقتصاد و جامعه شناسی، از آنهمه فیلسوفان و پروفیسورهای علوم دینی و تجربی و آنهم در کشوری که به تاریخ پنج هزار ساله اش می بالند یکی پیدا نشد که در مقابل این سیاست ضد ملی امریکایان مبنی بر مسلح ساختن لجام گسیخته صد ها هزار دزدان سر گردنه (مجاهدین) بایستد و امریکایان و سایر شرکای شانرا متقاعد سازند که مسلح ساختن بدون کنترل و اداره مردم آنهم در شرایطی که بنا بر حوادث سه دهه اخیر بحران اعتماد سراسر کشور را فرا گرفته است عملی است برخلاف منافع ملی در جهت تقویت گروه های متخاصم سیاسی، مذهبی، قومی، محلی و زبانی علیه یکدیگر در حالیکه راه های بیشماری از مجاری دیموکراتیک چون ایجاد و تقویت ارتش ملی در چوکات وزارت دفاع ملی زیر رهبری دولت افغانستان و سایر گزینه ها برای اداره جامعه وجود داشت یعنی با هزار حیف و افسوس که تا امروز ما در آتش همان جنگی میسوزیم که در گام نخست آمریکا، عربستان سعودی، کشور های خلیج و متحدین غربی امریکا به همکاری پاکستان در دهه هفتاد با صرف میلیارد ها دالر در دادند بعد ها با پیشگیری نقش پاکستان در وجود طالبان، برای غربی ها وجود طالبان و ارجحیت نقش پاکستان مشکلاتی را در پی داشت که حضور بالقوه و بالفعل خودشان را نیازمند بود و به این ترتیب تا امروز کشور ما در همان آتش میسوزد که چه بنام مجاهد و چه بنام طالب و چه بنام داعش راه اندازی شده و هنوز هم ادامه دارد. شما خود شاهد بودید که امریکا با نمایش مسخره برج های دو گانه نیویارک در عوض بازپرسی از کشور های معهد تروریسم چون عربستان سعودی، پاکستان، ایران و غیره به بمبارد افغانستان پرداخت و طالبان دست ساخته خودش را یک شبه تروریست معرفی کرده گویا به تار و مار آنها پرداخت در حالیکه اکثریت شان به شمول پرسونل اداره استخبارات پاکستان ISI ذریعه طیارات پاکستانی به پاکستان منتقل گردید و نابودی در حقیقت نصیب مردم بی دفاع کشور مان شد. ولی امروز همان امریکا با بلند پایه ترین نماینده گان وزارت های خارجه و دفاع خویش عزم اش را جزم کرده تروریست های شناخته شده اش را دو باره بر سرنوشت مردم ما حاکم سازد و منطقه را بیشتر از پیش پر آشوب گردانند.

اساساً من در پی دفاع هیچ شخصی و شخصیتی نیستم تا من حیث وکیل مدافع اش در دفاع برآیم. اما آنچه را علم جامعه شناسی و تجربه تکامل جوامع در راه مدنیت بما می آموزد این است که دولت – ملت یا هر دولتی از طریق توزیع ثروت و قدرت در میان همه مردم از مشروعیت لازم برخوردار میگردد و یا در غیر آن مشروعیت خویش را در میان مردم از دست میدهد. که همین عدم حمایت مردم از دولت یا حکومت پایه های آنرا لرزان کرده و عامل بحران داخلی میگردد و در صورت آشفتگی مناسبات بین المللی زمینه ساز مداخلات خارجی را نیز فراهم میگرداند. در شرایط حاضر کشور ما که بحران های متداوم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را پشت سر گذاشته و وضعیت در حال حاضر در زیر نفوذ قوت های خارجی و دست باز کشور های همسایه در همه امور کشور ما وضع آنقدر وخیم گردیده است که با در نظر داشت این آشفتگی بازار سیاسی داخلی و مداخلات مستمر خارجی بهتر خواهد بود تا در

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

گامهای نخستین برای رسیدن به مرحله دولت - ملت با درک بزرگ از منافع ملی همه مردم همکاری و همیاری کنند تا ما صاحب یک دولت مقتدر که از پوتانسیل بزرگ اداره و تأمین امنیت سراسری و دفاع مستحکم از سرحدات اش را داشته باشد گردیم. تا زیر سایه نفوذ این دولت مقتدر سراسری جلو نفوذ خارجی ها و عمال داخلی شان گرفته شده و این دولت با تأمین امنیت سراسری بتواند آزادی های مردم را تأمین و تضمین کند، آنگاه است که مردم میتوانند در زیر چتر حفاظتی و امنیت سراسری آزادی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بدست آورده و آنگاه است که مطالبات شانرا میتوانند با شیوه های پذیرفته شده در چوکات قانون و نورم های حقوق بشری مطرح کنند و با شیوه های دموکراتیک برای رسیدن به این مطالبات اقدامات عملی را رویدست گیرند.

به قول ماکس وبر تاریخ دان، جامعه شناس و سیاست مدار آلمانی " مردم آزادی شان را با تضمین تأمین امنیت با دولت شان معامله میکنند" یعنی اگر امنیت در کشور تأمین شد آنگاه است که جامعه مدنی هم آزاد میگردد. یعنی تمام امور اجتماعی و فرهنگی بعد از تأمین امنیت مفهوم پیدا میکنند. پس بایست همه مردم همه ای آنهایکه سنگ و وطن دوستی به سینه میزنند دست بدست هم بدهند تا یک دولت مستحکم و مقتدر در کشور ایجاد گردد و این دولت مقتدر حاکمیت قانون را در سراسر کشور بدون در نظر داشت مصلحت ها برقرار سازد و همه مردم در زیر چتر قانونیت و عدالت قرار بگیرند. نه اینکه هرکدام برخواسته در پی سرنگونی این دولت و آن حکومت بوده و با ارایه دلایل مؤجه و نا مؤجه مردم را بغرض اغراض شخصی اش فریب داده و روپوش دایه مهربانتر از مادر برای مردم بصورت گرفته و مردم و کشور را به مخاصمت و دشمنی بیشتر سوق دهند.

در این کارزار آنچه بسیار از اهمیت برخوردار است همانا اراده جمعی همه شهروندان مخصوصاً قشر جوان و نهاد های مدنی میباشد متأسفانه بنابر عدم احساس مسولیت مردم در برابر کل کشور و نا کاره گی جامعه مدنی و روشنفکران ما در راستای آگاهی مردم از وظایف خطیر شان برای دولت سازی و انتخابات تمام ساختار های انتخابی این مردم فریب شعار هایی میان تهی و احساساتی عده از فرصت طلبان را خورده و در گرو آنها و باور های قومی شان که بر پایه منافع بیگانگان طرح و تطبیق میگردد باقیمانده اند.

اگر مردم ما با درک مسولیت ملی دیگر فریب این دسایس را نخورند و از گرو قومیت خود را وارهانند و به این اطمینان برسند که رهبری خردمند انتخابی شان این توان را میداشته باشد تا در معادلات و معاملات بین المللی برپایه منافع ملی عمل کرده و به قناعت متحدین و تمویل کننده گان این آشوبگران قومی و مافیایی میپردازند و مطمئناً روزی کانال های حمایت مالی و تسلیحاتی این نیرو ها قطع میگردد که با قطع آن این گروه های فرصت طلب و آشوبگر نابود میگردد و این را درک کنند که آنها شهروندان کامل الحقوق یک کشوری بنام افغانستان اند که بنابر لنگش سیستم و موجودیت گروه های مسلح تاکنون نتوانسته اند از این حقوق کامل شهروندی بهره مند شوند بایست شعار ها از برکناری افراد به اصلاح سیستم و نهادینه شدن حکومت دیموکراتیک بر اصول زرین انسان محوری، عقل محوری، شایسته سالاری، قانون محوری و شهروند سالاری تبدیل گردد.